

**Research Article**

## **The Effect of Juhayman al-Otaybi' Uprising on Saudi Government<sup>1</sup>**

**Morteza Agha Mohammadi<sup>1</sup>**

*1. Assistant Professor, Al-Mustafa International Society; Researcher of the Institute for Strategic Studies of Contemporary Islam (Maram), Qom, Iran. mam50025@yahoo.com*

**Abstract**

The purpose of the present study is to survey the transformations in Saudi Arabia and the approach of Saudi rulers after the uprising of Juhayman al-Otaybi and the occupation of Masjid a-Haram in 1979. The method of study is descriptive analysis and the hypothesis is that the main reason of change in the performance of Saudi rulers was the uprising of Juhayman al-Otaybi posing a challenge to the legitimacy of Saudi government by a religious movement in a particular way and sensitive time such that it made the establishment give many credits to its extremist clergymen and change its consumerist and western approach to puritanical and conservative adherence to religion. This approach led to extremism in national and international Saudi dialogues and exporting the thoughts of Juhayman to outside Saudi Arabia.

**Keywords:** Masjid al-Haram (The Great Mosque of Mecca), Juhayman al-Otaybi, Saudi Wahhabism.

---

1. **Received:** 2017/07/26; **Accepted:** 2020/05/19

Copyright © the authors

## تأثیر قیام جهیمان العتیبی بر حکومت سعودی<sup>۱</sup>

مرتضی آقامحمدی<sup>۱</sup>

۱. استادیار، جامعه المصطفی العالمیه؛ پژوهشگر موسسه مطالعات راهبردی اسلام معاصر (مرام)، قم، ایران.  
mam50025@yahoo.com

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تحولات عربستان و تغییر رویه حاکمان سعودی در پی قیام جهیمان العتیبی و اشغال مسجدالحرام در ۱۹۷۹ میلادی با روش توصیفی-تحلیلی بود. فرضیه پژوهش این است که علت اصلی تغییر رفتار حاکمان سعودی قیام جهیمان العتیبی و زیر سوال رفتن مشروعیت حکومت آل سعود از سوی جریان‌های مذهبی آن هم به شکلی خاص و در زمانی حساس بود که سبب شد تا حکومت برای بازیابی خود به علمای تندرو امتیازهای زیادی بدهد و نیز رویکرد مصرفی شدن و غرب‌گرایی خود را به تقیّد و پایبندی بیش از پیش به دین تغییر دهد. این امر منجر به افزایش افراط‌گرایی در گفتمان داخلی و بین‌المللی سعودی و صدور افکار و هم‌فکران جهیمان به خارج از عربستان شد.

واژه‌های کلیدی: مسجد الحرام، جهیمان العتیبی، وهابیت، عربستان سعودی.

## ۱. مقدمه

در اولین روز ماه محرم سال ۱۴۰۰ هجری قمری مسجدالحرام به دست عده‌ای به رهبری جهیمان العتیبی اشغال شد. آنها با شخصی که او را مهدی موعود می‌خواندند، در کنار کعبه بیعت کردند. آنها که از پیش نوع واکنش حکومت سعودی به این ماجرا را می‌دانستند، خود را برای رویارویی مسلحانه آماده کرده بودند، بنابراین حادثه با کشتار و خونریزی فراوان همراه شد. مقاومت اشغال‌گران حکومت سعودی را درمانده کرد تا اینکه در نهایت حکام عربستان برای جلوگیری از ادامه این آبروریزی دست به سوی غربی‌ها دراز کردند. در نهایت، پس از گذشت دو هفته و به کمک نیروهای فرانسوی این آتش در ظاهر خاموش شد، اما خیلی زود ابعاد و ریشه‌های عمیق آن و شدت نفوذ این جریان در جامعه رخ نشان داد. از طرفی این حرکت برای جریان‌های سلفی جهادی الهام‌بخش بود و جهیمان به عنوان الگو و قهرمان آنان مورد ستایش و تبعیت قرار گرفت (حزیمی، ۲۰۱۲: ص ۶۵). از سوی دیگر، اشغال مسجدالحرام و هتک حرمت مقدس‌ترین مسجد اسلامی که حمل سلاح به داخل آن حرام است، کشته شدن تعداد زیادی مسلمان، حمله نظامیان و تخریب دیوارهای مسجد و آوردن تانک و هلیکوپتر و شلیک‌های بی‌وقفه به داخل مسجد و ادامه این وضع به مدت دو هفته، در کنار خفقان رسانه‌ای که عربستان سعودی ایجاد کرده بود و شایعات مختلفی که درباره عاملان اشغال حرم وجود داشت،<sup>۱</sup> همگی جهان اسلام و به‌ویژه جامعه عربستان را با یک شوک بزرگ مواجه کرد. عبدالعزیز الخضر این حادثه را اتفاقی چنان مهم می‌داند که تاریخ را در ذهن سعودی‌ها به قبل و بعد از ۱۴۰۰/۱/۱ تقسیم می‌کند

۱. نظام سعودی سراسیمه تلاش کرد تا هیچ خبری از این ماجرا به بیرون درز نکند. فرودگاه‌ها را بستند و کلیه خطوط مخابراتی را مسدود کردند، ولی در کمتر از ۳۰ ساعت همه دنیا درباره این ماجرا با خبر شد. عامل پخش خبر هم رادیو صدای آمریکا بود. دولت‌مردان آمریکا گرچه اطلاعات زیادی در اختیار نداشتند، با یقین موضوع اشغال مکه را مطرح کردند و گروه مسلح اشغال‌گر را ایرانی خواندند. صبح روز بعد این خبر تیتراژ اول همه روزنامه‌ها بود (Trofimov, 2007: P. 72). از طرف دیگر، در جهان اسلام شایع شد که آمریکا در پشت این اقدام است و همین سبب تحریک احساسات شد و در کشورهای مختلفی همچون پاکستان و لیبی به سفارت‌خانه‌های آمریکا حمله کردند که منجر به تعطیلی این سفارت‌ها و کشته شدن چند تن گردید و در بسیاری از کشورهای اسلامی اجتماعات گسترده اعتراضی علیه آمریکا به پا شد و همه جهان اسلام مملو از نفرت نسبت به آمریکا گردید.

(حزیمی، ۲۰۱۲: ص ۷). بعد از این تاریخ تحولی کلی در فضای اجتماعی جامعه سعودی پیدا شد و منجر به انقلابی در مفاهیم و تصورات گردید که حتی پس از گذشت سه دهه هنوز هم آثار آن باقی است (همان). چند ماه قبل از این حادثه، شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران و سقوط شاه تحول مهمی در منطقه بود و سبب پیدایش نگرانی‌هایی برای کشورهای عربی منطقه از جمله عربستان سعودی شد. چند ماه بعد، در محرم همان سال در حالی که مسجدالحرام در اشغال گروه جهیمان بود، شیعیان منطقه شرقیه نیز به اعتراض و راهپیمایی علیه ظلم و تبعیض حکومت اقدام کردند که با سرکوب خونین و شدید حکومت مواجه گردید.<sup>۱</sup>

دو حادثه اشغال مسجد الحرام و تظاهرات در منطقه شرقیه کم و بیش در یک زمان اتفاق افتادند، اما هیچ ارتباطی بین این دو وجود نداشت. این دو جریان کاملاً متفاوت بودند و علل و انگیزه‌های مختلفی داشتند. اگرچه ناآرامی‌های شیعیان در منطقه شرقی هم عامل مزاحمی بود، اما چنان که توضیح داده خواهد شد تهدیدکننده نبود. اما ضربه اصلی از سوی عتیبی بود که می‌توانست مشروعیت<sup>۲</sup> نظام را تهدید کند (مسجد جامعی، ۱۳۹۵ الف: ص ۱۵۹).

فرضیه پژوهش حاضر این است که علت اصلی تغییر رفتار حاکمان سعودی قیام جهیمان العتیبی و زیر سوال رفتن مشروعیت حکومت آل سعود از سوی جریانی مذهبی آن هم به شکلی خاص و در زمانی حساس بود که سبب شد تا حکومت برای بازیابی خود به علمای تندرو امتیازهای زیادی بدهد و نیز رویکرد مصرفی شدن و غرب‌گرایی خود را به تقید و پایبندی بیش از پیش به دین تغییر دهد. این امر منجر به افزایش افراط‌گرایی در گفتمان داخلی و بین‌المللی سعودی و صدور افکار و هم‌فکران جهیمان به خارج از عربستان شد. این حادثه و شرایط به وجود آمده، آل سعود را وادار کرد تا به تغییرات جدی در رفتار و حکومت‌داری خود تن دهند و پس از آن تغییرات چشمگیری در سیاست‌ها و رفتار حاکمان سعودی به وجود آمد. به همین دلیل بدون

۱. یاروسلاو تروفیموف داستان اعتراض‌های مسالمت‌آمیز شیعیان و نحوه سرکوب آنها توسط حکومت را به تفصیل در فصل ۲۲ و ۲۴ کتاب «The Siege of Mecca» آورده است.

۲. این مطلب را می‌توان در کتبی که بعدها برای دفاع از حکومت سعودی نوشته شد ملاحظه کرد. به عنوان نمونه رجوع شود به کتاب الحجج القویة علی وجوب الدفاع عن الدولة السعودیة، ص ۶۵.

شناخت درست از قیام جهیمان و تأثیر آن بر حکومت عربستان، نمی‌توان درک و تحلیل درستی از رفتار حکومت عربستان پس از سال ۱۹۷۹ داشت.

تیین نقش قیام جهیمان در محافظه‌کار شدن خاندان سعود از نوآوری‌های این پژوهش است.

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی تأثیر قیام جهیمان بر حکومت سعودی و تحولات عربستان و تغییر رویه حاکمان سعودی در آن ایام می‌پردازد.

## ۲. واکنش حکومت سعودی

از همان ابتدای حرکت، دین و شمشیر در کنار هم آل سعود را به قدرت رساند. با این همه، عبدالعزیز پس از قدرت گرفتن مایل بود به سبک دیگری حکومت کند و از دنیای مدرن و مظاهر آن متنعم باشد که این به مذاق اخوان التوحید که یاران عبدالعزیز بودند، خوش نیامد و در پی اختلافات به وجود آمده، دو جنگ بین عبدالعزیز با فرماندهان سابقش یعنی فیصل الدویش و سلطان بن بجاد در گرفت که در نهایت عبدالعزیز به کمک انگلیسی‌ها بر آنان فائق آمد و باقیمانده آنها را در سکونت‌گاه‌هایی که هجر نامیده می‌شدند، سکونت داد و سعی کرد آنها را به زندگی شهری عادت دهد. از این پس و با آمدن ثروت نفتی قدرت حاکم بیشتر و احساس نیاز به حمایت عالمان دینی کم رنگ‌تر می‌شد، نه اینکه کلاً ارتباط قطع شود. عالمان دینی با اوضاع جدید و مسائلی همچون برنامه‌های تلویزیونی، بانک‌ها، دروس رایج در مدارس، تحصیل دختران، حضور امریکایی‌ها در کشور و بسیاری از موارد دیگر مخالف بودند. برخی معتقد بودند دیگر بیعت با آل سعود جایز نیست، اما اکثر مشایخ به آنان پاسخ می‌دادند که آل سعود از دیگر گزینه‌ها بهتر هستند و باید از آنان حمایت کرد (قحطانی، ۱۹۸۷م: ص ۱۳-۲۶). حتی بن‌باز هم یک مرتبه در دهه ۱۹۴۰ به خاطر فتاوی خود در مخالفت با حضور امریکایی‌ها در تاسیسات نفتی زندانی شد و از همان زمان شهرت زیادی یافت. البته وی پس از آزادی آموخت که محافظه‌کارانه‌تر رفتار نماید (Trofimov, 2007: P.23). جهیمان در رساله «الفتن و اخبار المهدی و نزول عیسی علیه السلام و اشراط الساعة» نیز از تغییر اوضاع جامعه عربستان و تحولات و بدعت‌های به وجود آمده می‌نویسد.

اوج این داستان مدرن‌سازی کشور در زمان ملک فیصل اتفاق افتاد. پیش‌تر، اخوان در زمان تاسیس دولت سعودی با ملک عبدالعزیز دچار چالش شدند و درگیری شدیدی رخ داد. گرچه عبدالعزیز توانست آنها را سرکوب کند، اما تفکر و نگاه آنها عوض نشد و همچنان ادامه داشت تا اینکه این دمل چرکین با اشغال حرم دوباره دهان باز کرد. حکومت سعودی که تا این زمان ژست روشنفکری و تجدد به خود گرفته بود و دیگر برای اداره کشور نیاز چندانی به جریان دینی احساس نمی‌کرد، پس از این داستان بیش از پیش متوجه شد که باید به خواسته‌های دینی جامعه توجه کند، چرا که راه بقا و رشد خاندان سعودی تغییر موضع خود و اتخاذ رویه‌ای دینی بود (آقامحمدی، ۱۳۹۵: ص ۱۲).

اندکی پس از پایان ماجرا هم مسئولان سعودی دریافتند که مسئله حادثه از چیزی است که گمان کرده بودند. بازجویی‌های بعدی نشان داد که دامنه نفوذ جهیمان از افرادی که با او در اشغال حرم شرکت کردند، فراتر بود (همان: ص ۱۷۵). از زمان دستگیری‌های اول که دو سال قبل از قیام اتفاق افتاد تا زمان اشغال حرم، جهیمان در خفا بود و در این مدت به نقاط مختلف می‌رفت و با برخی از اخوان<sup>۱</sup> دیدار داشت و در این مدت رسائل او در عربستان پخش شد. این مسائل موجب شد تا جماعت اخوان در اذهان مردم متدین، مجاهدان راه خدا تلقی شوند که در راه کلمه حق زندانی یا آواره شده‌اند (حزیمی، ۲۰۱۲: ص ۶۳). جماعت در چشم مردم به قهرمانانی تبدیل شدند که مردم را جذب آنان می‌کرد. حتی کسانی که از حیث فکری با دیدگاه جماعت قانع نشده بودند، به پیروی افکار آنها می‌گرویدند (حزیمی، ۲۰۱۲: ص ۶۵)، تا جایی که پس از اشغال حرم، برخی از کسانی که در مورد مهدی بودن محمدبن عبدالله قحطانی قانع نشده بودند و در اشغال حرم شرکت نکردند، وقتی خبر قیام جهیمان و حصر آنها در داخل حرم را شنیدند، برای اینکه

۱. اخوان سعودی یا اخوان من طاع الله را نباید با اخوان المسلمین اشتباه گرفت. این اخوان وهابی‌هایی بودند که آل سعود به کمک آنها توانست بر حجاز مسلط شود. آنها پس از استقرار قدرت عبدالعزیز به دلایلی بر او شوریدند و در نهایت عبدالعزیز در نبردی سخت به کمک انگلیس‌ها موفق به سرکوب لشکر قدرتمند آنها شد. از آن پس ملک عبدالعزیز تلاش کرد تا آنها را در شهرها مستقر کند و روحیه سرکشی آنها را مهار نماید. بازماندگان آنها همچنان خود را اخوان می‌نامیدند.

فشار از جهیمان برداشته شود تصمیم گرفتند که مسجدالنبی را با روشی مشابه اشغال کنند، اما موفق به انجام این کار نشده و پس از درگیری با پلیس کشته شدند (هیگهامر و لاکرو، ۲۰۱۴م: ص ۷۳). مشکل بزرگ حکومت در بازپس‌گیری مسجد الحرام این بود که گروه اشغال‌کننده از قبائل مختلفی بودند و بسیاری از افراد و نیروهای پلیس و ارتش و گارد ویژه نیز به همان قبائل تعلق داشتند و خط فکری‌شان نیز اسلام سلفی و وهابی بود. در جامعه‌ای قبیله‌ای چون سعودی، اینان نمی‌توانستند در برابر برادران هم‌قبیله‌ای‌شان بایستند (Trofimov, 2007: P.63). چه بسا اگر قیام چند روز بیشتر طول می‌کشید، تمامی عربستان متشنج می‌شد و کنترل جامعه از دست گروهی که قدرت را در دست داشتند، خارج می‌شد (مسجد جامعی، ۱۳۶۹: ص ۱۵۱-۱۵۲).

این مسئله از جهات مختلفی برای حاکمان سعودی ناخوشایند بود. اول از همه، این ماجرا حاکی از نارضایتی مردم از حکام خود بود و در نتیجه پشتوانه مردمی نظام را زیر سوال می‌برد. از طرف دیگر، این داستان چند ماه پس از انقلاب مردمی ایران رخ داد و می‌توانست آغاز یک انقلاب مشابه در عربستان سعودی باشد. نکته سوم اینکه ضعف و ناکارآمدی نیروهای امنیتی و اطلاعاتی عربستان برملا شد و اقتدار ادعایی آنان بر باد رفت (احمد، ۲۰۱۱م: ص ۳۰). موفقیت چند صد نفر در اشغال مسجد الحرام و ناکامی ارتش سعودی و نیروهای امنیتی در شکست دادن آنها نشان از ضعف فاحش حکومت سعودی بود (Allison, n.d.: P.6). نکته مهم دیگر اینکه این جماعت متدین بر امام و حاکم مسلمین قیام می‌کرد و این مطلب در عالم اهل سنت چندان قابل درک نبود، چرا که آموزه‌های فقهی و کلامی اهل سنت اجازه قیام بر ضد حاکم مسلمان را نمی‌دهد و اطاعت از امام مسلمین حتی اگر فاجر باشد واجب و قیام در مقابل او حرام است. گفتمان جدیدی که جماعت جهیمان ارائه می‌کرد، لزوم قیام بر ضد حکومت فاسد سعودی بود (آقامحمدی، ۱۳۹۵الف: ص ۹۵). اگر این باب فتح می‌شد، حکام با مشکل بنیادینی مواجه می‌شدند، چرا که تا به آن روز، مذهب وهابی از ارکان تثبیت قدرت آنها بود و حال همان عنصر می‌توانست به تهدیدی برایشان تبدیل شود. به علاوه، قیام جهیمان جایگاه و اعتبار حاکمان آل سعود به عنوان محافظان خانه خدا را زیر سوال برد (Aarts & Van Duijne, 2009). ناتوانی آل سعود در حفظ و حراست از کعبه رسوایی سیاسی بزرگی برای آل سعودی بود که داعیه رهبری جهان اسلام را نیز داشت (Trofimov, 2007: P. 87). به خصوص که گه‌گاه صداهایی

از برخی کشورهای اسلامی به گوش می‌رسید مبنی بر اینکه اداره اماکن مذهبی از آل سعود گرفته و به هیأت مشترک مسلمانان واگذار شود. به همین دلایل حکومت سعودی سعی در پوشاندن این ماجرا داشت. ظهر روز 20 نوامبر به شرکت کانادایی مخابرات دستور داده شد همه تماس‌های خارجی را قطع کند. همه تماس‌های خارجی تلگراف و فکس عربستان از کار افتاد. مرزهای خاکی و آبی عربستان نیز کاملاً بسته شد و ارتباط عربستان و جهان کاملاً قطع شد (Trofimov, 2007: P. 64).

برای درک درست از شرایط عربستان در زمان اشغال حرم باید در نظر داشت که در آن ایام، یعنی سال‌های نخستین دهه هشتاد، ناراضیان مختلفی وجود داشتند. برخی طرفدار بازتر شدن جامعه سعودی و مدرن‌تر و غربی‌تر شدن آن بودند. در مقایسه با گروه اخیر گروه کوچکی از چپ‌گرایان هم وجود داشتند که البته در اوائل دهه هشتاد فاقد قدرت تأثیرگذاری بودند. گروه مخالف دیگر شیعیان بودند که از تبعیض اجتماعی رنج می‌بردند. به آنها همچون شهروندان درجه دوم و بلکه درجه سوم نگریسته می‌شد. آنها عملاً اجازه نداشتند به دانشگاه‌ها و مراکز علمی وارد شوند و استخدام آنان در مراکز و سازمان‌های دولتی کم و بیش غیرممکن بود (مسجد جامعی، ۱۳۹۵ الف: ص ۱۶۰-۱۶۱).

با وجود طیف وسیع ناراضیان، شرایط به گونه‌ای بود که اتخاذ سیاست تأکید بر مذهب می‌توانست همه این گروه‌ها را خلع سلاح کند. هدف اصلی در ابتدا خلع سلاح کردن گروه‌های افراطی وهابی بود که می‌خواستند هر آنچه متفاوت با وهابیت اصیل است، طرد کنند. جریان اشغال حرم عملاً این معترضان را به سکوت واداشت. این مسأله دلائل مختلفی دارد که به ویژگی‌های جامعه سعودی و کیفیت پیوند ایدئولوژی وهابی و هویت سعودی بازمی‌گردد (مسجدجامعی، ۱۳۹۵ الف: ص ۱۶۱). اصولاً این عبدالعزیز و ایدئولوژی «وهابیت عبدالعزیزی» بود که سعودی را در مرزهای کنونی‌اش به صورت یک کشور درآورد و این خاندان سعودی بود که «ناسیونالیسم سعودی» را ایجاد کرد و معنا و تحول بخشید. همین خاندان بود که آنها را با دنیای جدید آشنا کرد



و در پرتو آن، آنان را به رفاه، امنیت و موقعیتی قابل افتخار رسانید.<sup>۱</sup> مهمتر آنکه همین خاندان بود که «وهابیت خشن و بدوی عبدالوهابی» و «اخوانی» را به وهابیت ملایم و قابل تحمل و قابل اجرای «وهابیت عبدالعزيزی» تبدیل کرد (فقیهی، ۱۳۶۴: ص ۲۲۵-۲۲۷). این مجموعه عوامل که به برخی از آنان اشاره گردید، موجب شد که کیفیت اعتراض ناراضیان مدرن در سعودی نسبت به حاکمیت با دیگر کشورهای عربی متفاوت باشد. آنها با نوعی محافظه‌کاری و بلکه خجالت‌زدگی خواسته‌های خود را بیان می‌کنند و در عین حال به سرعت عقب می‌نشینند. ضمن آنکه هیچ نوع تمایلی به مخالفت با توده مردم را ندارند (مسجد جامعی، ۱۳۹۵: ص ۲۳۵). برای حکومت سعودی مهمترین عاملی که استقرار و ثبات را تأمین می‌کرد، مشروعیت دینی آن بود. آنها بر عکس رژیم‌های عربی دیگر برای خود مشروعیت اسلامی قائل بودند و قیام عتیبی دقیقاً همین نقطه را هدف گرفته بود. جهت مقابله با شرایط ایجاد شده و مصون‌سازی خویش، رژیم تصمیم گرفت بر سیاست وهابی خود تأکید کند (مسجد جامعی، ۱۳۹۵: الف: ص ۱۵۹).

به هر حال سیاست تأکید بر وهابیت در دستور کار قرار گرفت و حتی فهد در زمانی که به تازگی قدرت را به دست گرفت نیز لب فرو بست و خود در استخدام سیاست مذکور درآمد؛ با آنکه فهد هم به لحاظ شخصیتی و هم به لحاظ سوابق فکری و اجرایی چنین نبود و علائمی از تمایل به باز کردن جامعه سعودی نشان می‌داد.<sup>۲</sup>

آنها به این نتیجه رسیدند که سرکوب اسلام‌گراها مشکلات را حل نخواهد کرد، بلکه باید از خود اسلام استفاده می‌شد. ترس از تکرار قیام جهیمان و نیز فشار افکار عمومی دنیای اسلام در جهت تطبیق شریعت، سعودی‌ها را بر آن داشت تا به عنصر دین متوسل شده و بر آن تأکید کنند و بدین منظور وهابیت با قدرت و شدت بیشتری سر برآورد (مسجد جامعی، ۱۳۶۹: ص ۱۵۱-۱۵۲). آنها شروع به تظاهر بیش از پیش به اسلام و اجرای احکام شرع در سطح جامعه کردند. چند واحد دینی به برنامه‌های درسی مدارس افزوده شد. فروشگاه‌های محصولات موسیقی تعطیل شد و

۱. برای درک این مطلب رجوع شود به کتاب الحجج القویة علی وجوب الدفاع عن الدولة السعودية، ص ۸۱.

۲. رجوع شود به سخنان فهد در مناسبت‌های مختلف در کتاب «الحجج القویة فی وجوب الدفاع عن الدولة السعودية»، ص ۹۶-۱۰۲.

پلیس دینی قدرت گرفت. سیاست‌های توسعه‌طلبانه و مدرن‌سازی تقریباً تا سال ۲۰۰۰ کنار رفت (Burgess<sup>۱</sup>, 2015).

فهد خود را به جای ملک، «خادم الحرمین الشریفین» نامید و تظاهر به دین در خاندان حکومتی بیشتر شد. فهد دستوری صادر کرد و به شرکت‌های سعودی و خارجی ابلاغ کرد که در هر کجا که اختلاط زن و مرد به وجود می‌آید، حق استخدام نیروی زن ندارند. هم‌زمان لیستی از توصیه‌ها برای جلوگیری از اختلاط زن و مرد به همه کسانی که به سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های عربستان برای اخذ ویزا می‌رفتند، داده می‌شد. حاکم جده در پیامی که به شرکت‌های خارجی فرستاد محترمانه درخواست کرد تا زنان با پاها و دستان برهنه و با لباس‌های تنگ و کوتاه و نیز مردان با پوشیدن شلووارک در انظار حاضر نشوند (Abdella Doumato, 2009). زنان سعودی که پیش از این صورت خود را هم نمی‌پوشاندند، مجبور به پوشاندن صورت‌های خود با نقاب شدند. زنان دیگر در باشگاه بین‌المللی زنان در ریاض شرکت نمی‌کردند و از شنا در استخر هتل‌ها ممنوع شدند (Abdella Doumato, 2009). در سال ۲۰۱۸، محمد بن سلمان ولیعهد عربستان با اشاره به داستان اشغال حرم و تاثیر آن بر جامعه سعودی اظهار کرد: «تا قبل از ۱۹۷۹ ما نیز مانند دیگر کشورهای منطقه زندگی عادی داشتیم، زنان رانندگی می‌کردند و در کشور ما سینما وجود داشت» (BBC News, 2019).

علاوه بر حکومت، جامعه سعودی نیز به شدت تغییر کرد. تا پیش از آن، جامعه سعودی در مسائل سنتی خود محافظه‌کار بود، نه امور دینی. آنها سیستم بانکداری غربی داشتند و بچه‌های خود را برای تحصیل به غرب گسیل می‌کردند. اما داستان حرم برای بسیاری به منزله بیدارباش بود و محافظه‌کاری دینی رواج بیشتری یافت (Allison, n.d.: P.7). اگر چه جهیمان و یارانش در ظاهر کشته شدند، اما در عمل خاندان سعودی تسلیم مطالبات اشغال‌گران حرم شد و همان اصلاحاتی را که مد نظر آنان بود، به اجرا گذاشت.

تاکید بر وهابیت به سرکوب اعتراضات شیعی نیز کمک می‌کرد. نکته مهم این است که در باور وهابیان، تظاهر به ضد شیعه بودن بخشی از تعهد به سنی بودن است. از نظر آنان همان طور که

۱. «John Burgess» جان برگس دیپلمات پیشین و کهنه‌کار امریکا در عربستان.

جلوگیری از اختلاط زن و مرد مظهري از دینداری است، ابراز ضد شیعه بودن هم نشانه دین‌مداری و حفظ سنی بودن خود است. این مطلب از مطالبات جدی جهیمان از حکام بود و مسامحه در این امر را از نشانه‌های نامشروعیت آل سعود می‌دانست.<sup>۱</sup> بنابراین، برخورد تند با شیعه و محکوم کردن آنها به منزله پاسبانی از حریم اهل سنت بود و متدینان وهابی را خرسند می‌کرد.

نکته دیگر این است که از سال ۱۹۷۹ که انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت، این انقلاب برای بسیاری در جهان اسلام جذاب بود و آنها را به خود شیفته یا متمایل کرد. از این‌رو، عربستان درصدد کم فروغ کردن انقلاب ایران برآمد و برای سد نفوذ ایران و شیعه، و به داعیه دفاع از اسلام و مبارزه با رفض و بدعت و انحراف به سمپاشی علیه شیعه پرداخت. آنها هر اندیشه اسلامی انقلابی را نیز به شیعه نسبت می‌دادند. پس باید بر شدت انحراف شیعه تاکید می‌شد تا اینان نیز منزوی گردند (مسجد جامعی، ۱۳۶۹: ص ۱۵۱-۱۵۲). با بدنام کردن شیعه می‌توانستند هر معارض و مخالف سیاسی را متهم به تشیع کنند. از این نقطه نظر مقابله با آنان نه تنها مشکلی ایجاد نمی‌کرد، بلکه به انسجام بیشتر اجتماعی و دینی می‌انجامید و رژیم را محبوب‌تر می‌کرد (مسجد جامعی، ۱۳۹۵ الف: ص ۱۶۲). علاوه بر اینکه حکومت سعودی خود را در برابر خواسته‌های شهروندان شیعه سعودی می‌دید که نسبت به تبعیض‌ها معترض بودند. حکومت به جای مسئول دانستن خود در قبال این خواسته‌ها، آن را به یک نزاع اجتماعی و طائفی تبدیل کرد تا اکثریت سنی جامعه را در مقابل آنها قرار دهد تا هم از مسئولیت خود فرار کرده باشد و هم مطالبات بدنه متدین وهابی در برخورد سخت با شیعه را برآورد و خود را حافظ کیان اهل سنت معرفی کند. بنابراین، تاکید بر وهابیت و تظاهر هرچه بیشتر بر شریعت‌مداری در مفهوم وهابی آن در دستور کار

۱. جهیمان در رساله الاماره و البیعه در اعتراض به حکام سعودی می‌گوید: «این حکام چقدر شبیه منافقان هستند؛ با اینکه اظهار اسلام می‌کنند، با کفار و مشرکان دوست هستند... با مشرکان از روافض و شیعه دوست هستند... این دولت‌ها در مخالفت و دشمنی با حق اتفاق دارند» (عتیبی، بی‌تا: ص ۱۱). باز او می‌گوید: «این دولتی که خود را دولت توحید می‌نامد، بین صفوف مسلمین و نصاری و مشرکین وحدت ایجاد کرده و هر کس مثل روافض را بر دین خود قرار داده و با کسانی که با این تصمیم مخالفت کنند، برخورد می‌کند. این حکومت با کسانی که بخواهند با مشرکانی که علی و حسن را می‌خوانند و عبادت قبور می‌نمایند بجنگد، مقابله می‌کند».

جدی حاکمان سعودی قرار گرفت.

### ۳. ارتقای موقعیت علما

در جلسه‌ای که ملک خالد با علما برای اخذ فتوای جواز حمل سلاح به داخل مسجد الحرام داشت، علمای سعودی به این تصمیم رسیدند که آل سعود با همه تقصیرها و قصورها باید در زمان بروز مشکلات حمایت شود. آنان فتوا را صادر کردند، اما معامله این بود که آل سعود باید به وظایف خود در قبال اسلام به نحو احسن عمل کند. حضور زنان بر صفحه تلویزیون، فیلم‌های مغایر اخلاق و شرب خمر باید با جدیت تمام ممنوع شوند. روند لیبرال‌سازی اجتماعی که از زمان ملک فیصل کلید خورده بود باید پایان می‌پذیرفت. مقرر شد دولت سعودی میلیاردها دلار از درآمد فروش نفت را برای ترویج و گسترش و تبلیغ اسلام وهابی در سراسر جهان اختصاص دهد. این بده بستان سیاسی هرگز به صورت شفاف صورت نگرفت، بلکه تلویحی و در قالب کلماتی دو پهلو بیان شد (Trofimov, 2007: P.75). شرایط به وجود آمده حکومت را مجبور کرد تا در دهه آتی قدرت زیادی به علمای وهابی بدهد. چند ماه پس از قیام جهیمان، عبدالعزیز بن باز در نامه‌ای درخواست‌هایی از حکومت کرد که مصادیق برخورد با فتنه‌ها و بدعت‌ها بودند (Lacey, 2009: P.48).

این قیام به مخالفان حکومت نشان می‌داد که به راحتی می‌توان به این حکومت ضربه زد و از همین رو حکومت از یک‌سو با شتاب‌زدگی تلاش کرد تا دیگر مخالفان محافظه‌کار را با تن دادن به اصلاحات مدنظر آنها ساکت کند، مثلاً ملک خالد و ولیعهد او فهد، اقدام به تاسیس مجلس شورا کردند که چیزی شبیه به پارلمان بود. آنها همچنین سندی را ارائه کردند که در آن ۲۰۰ ماده در خصوص انتخاب حاکم بود (Allison, n.d.:P.7). از سوی دیگر، حکومت عهد کرد تا با هر جریان مخالف برخورد خشن‌تر و شدیدتری داشته باشد تا اجازه تکرار چنین اتفاقی را ندهد (U.S. Embassy Jidda (B), 1979؛ U.S. Embassy Jidda (C), 1979). این میان، سخت‌ترین برخورد حکومت با قیام مسالمت‌آمیز شیعیان در منطقه شرقیه بود. در استان‌های شرقی شیعیان اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دادند، آنها همیشه مورد بی‌مهری و تبعیض دولت عربستان بودند. گرچه شهرهای شیعه‌نشین دقیقاً روی چاه‌های نفت عربستان قرار داشتند، اما

نصبی از درآمدهای هنگفت نفتی نداشتند. موضوع به ثروت نفت منحصر نمی‌شد و شرکت نفتی آرامکو برای تسهیل استخراج، چاه‌های نفت را پر از آب می‌کرد تا سطح نفت در چاه‌ها بالا بیاید. این آب از منابع آب‌های زیرزمینی مناطق شیعه‌نشین برداشت می‌شد و به مرور زمان باعث بروز نوعی فاجعه زیست محیطی در شرق عربستان شد. کاهش سطح آب‌های زیرزمینی باعث شد کانال‌های آبیاری خشک شود و از پوشش‌های گیاهی غنی این منطقه به جز بوته‌های خشک و کوچک چیز دیگری باقی نماند. علاوه بر این، شیعیان در عربستان مرتد و مشرک به حساب می‌آمدند و تصدیٰ مناصب بالای دولتی و نظامی برای شیعیان ممنوع بود. در مدارس ابتدایی دولتی به کودکان شیعه الغاء می‌شد که تشیع از جمله بدعت‌های یهودیان است. همزمان با قیام جهیمان، در آغازین روز محرم شیعیان مناطق شرقی عربستان نیز اعتراض‌های مسالمت‌آمیزی را به اوضاع زندگی خود شروع کردند و خواستار توجه بیشتر حکومت به ساکنان منطقه بودند. تظاهرات در چند شهر دمام و قطیف و سیهات برگزار شد که علی‌رغم مسالمت‌آمیز بودن، با سرکوب خونین حکومت مواجه شدند و حتی به بیمارستان‌ها اجازه پذیرش زخمی‌ها داده نشد (Trofimov, 2007: P. 142-146).

به اعتقاد ابومحمد مقدسی، جهیمان و هم قطارانش به جای مسجد الحرام باید به تأسیسات دولتی و نفتی آل سعود یا کاخ پادشاه حمله می‌کردند. سرکوب جهیمان برای دفاع از دولت آل سعود انجام شد، در حالی که اشغال مسجد الحرام مبارزه را به نحوی نشان داد که گویی آل سعود از دین خدا، بیت الله الحرام و آزادی مسلمانان برای عبادت در مسجد الحرام دفاع می‌کنند. این اشتباه، فرصتی طلایی به دست آل سعود داد تا ضربه‌ای کاری به شبکه مسلمانان معترض وارد کنند (مقدسی، ۱۹۸۹م: ص ۲۱۱). بنابراین، در سطح داخلی حکومت روش تطمیع و تهدید را اتخاذ کرد. از طرفی مبالغ زیادی در راستای امور دینی هزینه می‌شد و از طرف دیگر معترضان وهابی با سرکوب‌های شدید مواجه بودند (U.S. Embassy Jidda, 1979A U.S. Embassy Jidda, 1979D).

#### ۴. صدور افکار جهیمان

فهد در اظهارنظری درباره حادثه اشغال حرم بیان کرد که فعلاً این قضیه ابعاد سیاسی داخلی و یا خارجی مهمی ندارد. گرچه ممکن است در آینده اتفاقاتی رخ دهد که این دیدگاه را عوض کند

(هیگهامر و لاکرو، ۲۰۱۴: ص ۱۳۱). با وجود اینکه ابعاد سیاسی داخلی این داستان در آن زمان هم قابل انکار نبود، اما ابعاد دینی و سیاسی آن همانطور که فهد هم اشاره کرد، بعدها بیشتر روشن شد.<sup>۱</sup> البته بخش عمده‌ای از تاثیر حرکت جهیمان بر آینده مسلمانان مرهون کوشش‌های خود دولت سعودی بود. هنوز چیزی از داستان اشغال حرم نگذشته بود که مسئله جهاد در افغانستان مطرح شد. این فرصتی طلایی برای رهایی از فشارهای داخلی بود. به فاصله کمی پس از اشغال افغانستان، عربستان وارد داستان شد (Steinberg & Woerner, 2013: P.3). در این زمان حکومت عربستان از فرصت بهره جست و هم‌فکران جهیمان را به افغانستان اعزام کرد تا در آنجا جهاد نمایند. تا جایی که برخی از سران سعودی گفتند: «ما جهیمان را کشتیم و افکارش را صادر کردیم» (احمد، ۲۰۱۱: ص ۳۲). مقصود این کلام این است که حاکمان سعودی پس از حادثه حرم مکی اهتمام خود را به شکل جدی نسبت به جریان‌های اسلامی نشان داده و موسسات دینی را مورد حمایت‌های همه‌جنبه خود قرار دادند. این نکته را شاید بتوان از مهمترین نکات در تاثیر جهیمان بر اتفاقات آینده دانست، یعنی علاوه بر افرادی که از حیث فکری و عقیدتی تمایل و دل‌بستگی عاطفی به جهیمان داشتند و خود را دنباله‌رو او می‌دانستند حکومت سعودی از ایده و فکر جهیمان در ابعاد مختلف سود جست.

اینک تهدیدی مانند جهیمان به ابزاری برای مقابله با توسعه‌طلبی شوروی تبدیل شده بود. این انگیزه دیگری شد برای کمک به اعزام مجاهدان عرب به افغانستان و دیگر نقاط بحرانی جهان اسلام تا هم از شر آنها رهایی حاصل شود و هم اینان سربازانی باشند برای گسترش نفوذ و سیطره عربستان در عالم اسلام و همه اینها مرهون ایده جهیمان بود. جنگ افغانستان کمک می‌کرد تا ذهن‌ها معطوف جای دیگری شود و مجدداً عربستان خود را محافظ اسلام سنی معرفی کند و نقش ایران در جهان اسلام را کم‌رنگ‌تر نشان دهد و پرچم مبارزه با کمونیسم را به دست گیرد (Walker, 2011). پس حکومت به تشویق و حمایت آنان دست زد و هر نوع مانعی از رفتن

۱. بازماندگان جهیمان، به خصوص ابومحمد مقدسی افکار و دیدگاه‌های او را به سلفیت دهه‌های بعد و القاعده منتقل کردند و آنها را از میراث فکری جهیمان متأثر نمودند. ما در مقاله‌ای دیگر به بررسی تاثیر اندیشه‌ها و قیام جهیمان بر القاعده پرداخته‌ایم.

جهادیون به افغانستان را برداشت. آزادی انتقال جهادیون سعودی در رفت و آمد به افغانستان و نیز تبلیغ برای جهاد در آن در داخل مملکت بسیار زیاد بود، چرا که این فرصتی بود برای منحرف کردن ذهن وهابی‌های افراطی خشمگین در عربستان (Pillai, 2019).

جهیمان مانند اخوان<sup>۱</sup> حکومت سعودی را متهم به ترک و ممانعت از جهاد می‌کرد (U.S. Embassy Kuwait, 1979). حال اقدامات حکومت برای اعزام نیروهای مبارز به افغانستان نشان از تمایل به جهاد و حمایت از مجاهدین بود. در این راستا، عربستان مبلغ قابل توجهی از درآمد نفتی را در جهاد افغانستان هزینه کرد. در واقع با تشکیل سه گانه واشنگتن - ریاض - اسلام آباد، عربستان از همان ابتدا در ۱۹۷۹ در افغانستان حضور فعال داشت و به تامین کننده مالی اصلی مجاهدین در افغانستان تبدیل شد و در اواسط دهه ۱۹۸۰ شبکه‌های ارتباطی خود را در میان افغان‌ها تشکیل داد. (Steinberg & Woermer, 2013: P.3) با این اقدام، عربستان توانست بخش عمده این نیروهای مذهبی را به افغانستان بفرستد و جامعه خود را تعدیل کند. گرچه این نقشه با بازگشت افغان‌العرب در حال تولید نتیجه عکس بود که سعودی‌ها با موفقیت آن را نیز مهار کردند.<sup>۲</sup>

## ۵. نتیجه‌گیری

قیام جهیمان العتیبی در سال ۱۹۷۹ در شرایطی که عربستان در صدد تثبیت خود در دنیای جدید بود، فشار سنگینی را بر این کشور وارد کرد و به همان نسبت نیز تأثیرات مهمی بر رفتار و مواضع

۱. جهیمان گوید: «ملک عبدالعزیز اخوان را که در راه خدا هجرت و جهاد می‌کردند را براساس کتاب و سنت به بیعت خود خواند. آنها پذیرفته و در رکاب او جهاد کردند و سرزمین‌ها را فتح کردند ... اما وقتی حکومتش پا گرفت و تثبیت شد و به مقصود خود رسید، به سمت مسیحیان رفت و جهاد را در خارج جزیره العرب ممنوع کرد» (عتیبی، بی‌تا: ص ۲۶).

در جای دیگر در یکی از رسائلش می‌گوید: «آیا ممکن است علیه دولت‌های کفر اعلان جهاد نماییم، در حالی که آنها نزد ما سفیر دارند و ما نزد آنها سفیر داریم ... چطور دعوت به اسلام کنیم، در حالی که مسیحیان اساتید ما هستند؟ (عتیبی، بی‌تا: ص ۲۱ و ۳۶) و (قحطانی، ۱۹۸۷م: ص ۴۵).

۲. برای مطالعه در این زمینه رجوع شود به مقاله:

«TERRORIST RECRUITMENT AND RADICALIZATION IN SAUDI ARABIA» اثر توماس هیگهمر.

حکومت سعودی به جای گذاشت.

این قیام هم مشروعیت حکومت سعودی و پشتوانه مردمی و مذهبی آن را نشانه رفته بود و هم می‌توانست نسخه‌ای سنی از انقلاب شیعی ایران باشد که چند ماه پیش به وقوع پیوسته بود.

مطالبات جهیمان از حکومت درباره مقابله با فساد و بدعت‌ها امر تازه‌ای نبود. حکام سعودی بنایی بر اعتناء به این خواسته‌ها نداشتند، اما پس از این قیام و شرایط به وجود آمده و احساس خطر طیف مذهبی، حکومت مجبور شد نقابی سخت‌گیرانه‌تر از دین به چهره بکشد و با آنچه فتنه و بدعت نامیده می‌شد، برخورد کرده و اصلاحات اجتماعی انجام دهد و نیز به جهاد در خارج از کشور اهتمام ورزد.

حکومت متوجه شد که برای اداره کشور در شرایط به وجود آمده، می‌بایست از عنصر دین بهره گیرد و بر وجه دینی حکومت خود تاکید نماید. همین رویه در طی سال‌های بعد نیز ادامه یافت.

بعدها، با اشغال کویت از سوی صدام و درخواست کمک عربستان و کویت از امریکا و اروپا، برخی هم‌فکران جهیمان حاکمان سعودی را متهم کردند که اجازه ورود کفار به خاک حرم را داده‌اند و این گناهی نابخشودنی است.

بن لادن از جمله این افراد بود و از همین‌جا مخالفت و دشمنی او با حاکمان سعودی آغاز شد که این خود موضوع تحقیقی مستقل است. در این زمان هم حاکمان سعودی نیاز داشتند در مقابل سخنرانی‌ها و تبلیغات این جریان مخالف، بر جنبه دینی حاکمیت خود تاکید نمایند.

این رویه کمابیش ادامه داشت تا اینکه پس از حاکمیت ملک سلمان و قدرت یافتن پسر او محمد، بار دیگر رویای عربستان مدرن در ذهن حاکمان زنده شد. با این باور که در شرایط جدید و با حمایت امریکا و اروپا حکومت سعودی امکان تحقق بخشیدن به آن آمال را دارد و می‌تواند بدنه مذهبی متعصب خود را مهار کند، بن سلمان سیاست‌های جدیدی را آغاز و با آمادگی قبلی، سران مذهبی مخالف خود را سرکوب و زندانی کرد. اینکه او تا کجا می‌تواند به پیش رود و جریان مذهبی عربستان تا کی این سیاست‌ها را تحمل خواهند کرد، امری است که گذشت زمان



مشخص خواهد کرد، با این حال به نظر می‌رسد که جامعه مذهبی عربستان تا حدی توان تحمل وضع موجود را دارد و وقتی کاسه صبر مخالفان لبریز شود و در فرصت مقتضی، بر سیاست‌های حاکم جوان خواهند تاخت.

## منابع

۱. احمد، عدنان (۲۰۱۱). وثائق «جهیمان» استعادة اوراق منسیه، الحرام، «قصه و فکر المحتلین للمسجد الحرام». بیروت: مرکز المسبار للدراسات و البحوث.
۲. آقامحمدی، مرتضی (۱۳۹۵/الف). بازخوانی اهداف و انگیزه‌های اشغال مسجد الحرام در سال ۱۴۰۰ قمری. میقات حج، سال ۲۴، شماره ۹۵: ص ۸۴-۱۰۳.
۳. آقامحمدی، مرتضی (۱۳۹۵/ب). فرهنگ زندگی و باورهای جماعت سلفی محتسبه. قم: انتشارات رسول اعظم (ص).
۴. حزیمی، ناصر (۲۰۱۲م). ایام مع جهیمان. بیروت: الشبكة العربیة للابحاث و النشر.
۵. عتیبی، جهیمان (بی تا). رساله الاماره و البيعة والطاعة. الجبهة الاعلامية الاسلامية العالمية، قابل دسترس در: [http://www.ilmway.com/site/maqdis/MS\\_20536.html](http://www.ilmway.com/site/maqdis/MS_20536.html)
۶. فقیهی، علی اصغر (۱۳۶۴). وهابیان: بررسی و تحقیق گونه‌ای درباره عقاید و تاریخ فرقه وهابی. تهران: انتشارات اسماعیلیان.
۷. قحطانی، فهد (۱۹۸۷م). زلزال جهیمان فی مکة. بی جا: منظمه الثورة الإسلامیه فی الجزیره العربیه.
۸. مسجد جامعی، محمد (۱۳۶۹). تحول و ثبات در خلیج فارس. تهران: انتشارات امیر.
۹. مسجد جامعی، محمد (۱۳۹۵/الف). ژئوپلیتیک خلیج فارس. تهران: اطلاعات.
۱۰. مسجد جامعی، محمد (۱۳۹۵/ب). ایران و جهان عرب (تحولات عربی و ژئوپلیتیک ایران). تهران: اطلاعات.
۱۱. مقدسی، ابومحمد (۱۹۸۹م). الكواشف الجلیة فی كفر الدولة السعودیه. قابل دسترس در: [http://www.ilmway.com/site/maqdis/MS\\_65.html](http://www.ilmway.com/site/maqdis/MS_65.html)
۱۲. هیگهامر، توماس؛ لاکرو، استیفان (۲۰۱۴م). حتی لایعود جهیمان. بیروت: منتدى المعارف.
13. Allison, M. (n.d.). **Militants seize Mecca: The effects of the 1979 seige of Mecca revisited**. University of Mary Washington. Available at: <https://pdfs.semanticscholar.org/5d26/8c28cb8abe986c5c783293c56ae5a10c49af.pdf>
14. Mecca 1979: The mosque siege that changed the course of Saudi history. *BBC News*, 27 December 2019, Available at: <https://www.bbc.com/news/stories-50852379>.
15. Lacey, R. (2009). **Inside the Kingdom: Kings, Clerics, Modernists, Terrorists, and the Struggle for Saudi Arabia**. New York: Viking Adult publication.
16. Steinberg, G. & Woermer, N. (2013). Exploring Iran and Saudi Arabia's interests in Afghanistan and Pakistan: Stakeholders or spoilers a zero sum game? Part 1: Saudi Arabia.

- Barcelona Center for International Affairs*, Available at:  
[https://www.swp-berlin.org/fileadmin/contents/products/fachpublikationen/Steinberg\\_Woermer\\_SaudiArabia\\_Interest\\_April2013.pdf](https://www.swp-berlin.org/fileadmin/contents/products/fachpublikationen/Steinberg_Woermer_SaudiArabia_Interest_April2013.pdf)
17. Trofimov, Y. (2007). **The siege of Mecca**. New York: Anchor Books.
18. U.S. Department of State, U.S. Embassy Jidda (A), Cable 8428, *Prince Abdullah discusses the Mecca events with Ambassador West*, 6 December 1979, Available at:  
[https://www.randomhouse.com/doubleday/siegeofmecca/pdf/8428\\_6Dec1979.pdf](https://www.randomhouse.com/doubleday/siegeofmecca/pdf/8428_6Dec1979.pdf).
19. U.S. Department of State, U.S. Embassy Jidda (B), Cable 1916 , Restoration of calm in the Shiite heartland of the Eastern Province as reported by American Consulate Dhahran, Dec 2 1979. Available at:  
[https://www.randomhouse.com/doubleday/siegeofmecca/pdf/1916\\_2Dec1979.pdf](https://www.randomhouse.com/doubleday/siegeofmecca/pdf/1916_2Dec1979.pdf)
20. U.S. Department of State, U.S. Embassy Jidda (C) .Cable 8218 , Prince Bandar outlines the interrogation of Juhayman's aides and al Saud s reaction to the Mecca crisis. Available at:  
[https://www.randomhouse.com/doubleday/siegeofmecca/pdf/8218\\_28Nov1979.pdf](https://www.randomhouse.com/doubleday/siegeofmecca/pdf/8218_28Nov1979.pdf)
21. U.S. Department of State .U.S. Embassy Jidda (D) .Cable 8180 , American Embassy Jidda reports details of the siege and mentions a Saudi tear gas request. Available at:  
[https://www.randomhouse.com/doubleday/siegeofmecca/pdf/8180\\_27Nov1979.pdf](https://www.randomhouse.com/doubleday/siegeofmecca/pdf/8180_27Nov1979.pdf).
22. US Embassy in Kuwait, Cable 5422, US Embassy in Kuwait reports on Juhayman's ideology. November 29, 1979. Available at:  
[http://www.randomhouse.com/doubleday/siegeofmecca/pdf/5422\\_29Nov1979.pdf](http://www.randomhouse.com/doubleday/siegeofmecca/pdf/5422_29Nov1979.pdf)
23. Walker, L.J. (2011). **Siege of Mecca and Juhayman al-Otaibi: CIA and GIGN operatives converted to Islam**. Available at:  
<http://moderntokyoimes.com/siege-of-mecca-and-juhayman-al-otaibi-cia-and-gign-operatives-converted-to-islam/>
24. Aarts, P. & Van Duijne, J. (1 October 2009). Saudi Arabia and Iran: Less Antagonism, More Pragmatism. *Middle East Institute*. Available in:  
<https://www.mei.edu/publications/saudi-arabia-and-iran-less-antagonism-more-pragmatism>.
25. Abdella Doumato, E. (1 October 2009). Obstacles to Equality for Saudi Women. *Middle East Institute*. Available at:  
<https://mei.edu/publications/obstacles-equality-saudi-women#ednref2>
26. Burgess, J. (16 June 2015). What effect did the Grand Mosque seizure have on Saudi Arabia?, *Quora*, Available at:

<https://www.quora.com/What-effect-did-the-Grand-Mosque-seizure-have-on-Saudi-Arabia>.

27. Pillai, C.M. (15 July 2019). **The Triple Shocks of 1979 and the Making of the Middle East**. Available at:

<https://www.offiziere.ch/?p=36200>.

#### استناد به این مقاله

**DOI:** 10.22034/sm.2020.68870.1133

آقامحمدی، مرتضی (۱۳۹۹). تاثیر قیام جهیمان العتیبی بر حکومت سعودی. سیاست متعالیه،

۸ (۳۰): ص ۲۹۳-۳۱۲.